

Analysis of Searle's Speech Acts in the Sermon of Qāṣi'a from the Perspective of Cognitive Linguistics *

Alakhaz Veisi¹ Bahman Gorgian² 

Abstract

The examination of religious texts for the purpose of decoding them from the perspective of cognitive linguistics has been conducted in this research through a descriptive-analytical approach. The study aims to analyze the fivefold speech acts of Searle (1969) in the Sermon of Qāṣi'a from Nahj al-Balāgha. The current research focuses on analyzing Sermon 192 (Qāṣi'a), which addresses the themes of avoiding Satan and arrogance in Nahj al-Balāgha, based on Searle's classification of speech acts. The results of this investigation reveal that Imam Ali (AS), in this sermon from Nahj al-Balāgha, predominantly utilized directive and representative speech acts with high frequency, while employing expressive, commissive, and declarative acts to a lesser extent, to convey his message to the audience in a wise and impactful manner. The findings of this analysis indicate that Imam Ali (AS) used directive and representative speech acts more frequently due to the situational and political circumstances of that time. This is because the sermon was delivered during a period when his objective was to offer admonition, advice, and guidance.

Keywords: Sermon of Qāṣi'a, Applied Linguistics, Searle, Speech Acts, Nahj al-Balāgha

* Received: 2023 Dec 06, Accepted: 2025 Mar 04

DOI: 10.22081/jrla.2024.68035.1388

1. Associate professor, Department of Linguistics, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran. bahgorj2021@gmail.com

2. Associate professor, Department of Linguistics, Payame-Noor University, Tehran, Iran.

z.makki68@gmail.com

دوفصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی

سال نهم / شماره دوم / پاییز و زمستان ۱۴۰۳

تحلیل کنش‌های گفتاری سرل در خطبه قاصعه از منظر کاربردشناختی زبان

بهمن گرجیان^۱

الخاص ویسی^۲

چکیده

واکاوی متون دینی برای رمزگشایی متون دینی از نظر کاربردشناختی زبان به صورت توصیفی-تحلیلی در این پژوهش به منظور تحلیل کنش‌های گفتاری پنج‌گانه سرل (۱۹۶۹) در خطبه قاصعه از نهج البلاغه انجام شده است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل خطبه ۱۹۲ (قاصعه) با موضوع دوری جستن از شیطان و تکبر در نهج البلاغه بر اساس طبقه‌بندی کارگفت‌های سرل انجام شده است. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که امام علی (علیه السلام) در این خطبه از نهج البلاغه، به ترتیب فراوانی و بسامد، از کنش‌های گفتاری ترغیبی و اظهاری به میزان زیاد و از کنش‌های عاطفی، تعهدی و اعلامی به میزان کمتر، در جهت انتقال پیام به مخاطب به صورتی حکمت‌آمیز بهره گرفته است. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که امام علی (علیه السلام) به دلایل موقعیتی و سیاسی آن زمان بیشتر کارگفت‌های ترغیبی و اظهاری را استفاده نموده است. زیرا ارائه این خطبه در زمانی بوده که ایشان هدف موعظه و پند و اندرز داشته‌اند.

واژگان کلیدی: خطبه قاصعه، زبان‌شناسی کاربردی، سرل، کنش‌های گفتاری، نهج البلاغه

– تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

10.22081/jrla.2024.68035.1388

شناسه دیجیتال (DOI):

۱. دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آبدان، ایران

bahgorj2021@gmail.com

۲. دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

vesi@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

در مطالعات زبان‌شناسی کاربردی، معنای جملات و پاره‌گفتارها در بافت و موقعیت‌های حاکم بر یک رویداد گفتاری مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد، به همین سبب بافت مکانی، زمانی، تاریخی و اجتماعی به‌عنوان عناصر فرازبانی در کنار عناصر درون‌زبانی می‌تواند در تحلیل یک متن بسیار اثرگذار باشد. در همین راستا، احمدی نرگسه و همکاران (۱۳۹۷) بر این باورند که در زبان‌شناسی کاربردی به زبان از دو منظر باید توجه کرد. یکی ساختار صوتی زبان و آن دیگری، نقش و کنش گفتاری در یک بافت زبانی، مکانی و اجتماعی است و این دو در تعامل میان فرستنده پیام (گوینده یا نویسنده) و گیرنده پیام (شنونده یا خواننده) روش‌های متفاوتی برای تجزیه و تحلیل و فهم داده‌های زبانی ارائه می‌کنند (طالب پور، ۱۴۰۱).

جملات در همان معنای روساختی جمله به کار برده نمی‌شود و عوامل فرازبانی زبانی و بافت موقعیتی حاکم بر تولید یک پیام و متن نیز در انتقال آن تأثیرگذار است. با استناد به بافت موقعیتی تولید یک متن می‌توان به درک سطح منظوری یا دلالت واقعی کلام دست پیدا کرد و براین اساس می‌توان گفت تحلیل کنش‌های گفتاری در یک متن می‌تواند افق‌های نویی از گونه‌های خوانش و تفسیر یک متن را پیشروی پژوهشگران دینی بگشاید. در همین راستا، لوینسون (۱۹۹۷) بر این باور است که از میان همه مسائل مطرح شده در نظریه کاربردشناختی زبان، نظریه کارگفت‌ها یا کنش گفتاری بیشترین توجه را به خود مبذول داشته‌است. نظریه «کارگفت‌ها» یکی از مباحث مهم تحلیل گفتمان و نظریه‌ای غالب در زمینه متن‌شناسی و تحلیل لایه‌های پنهان معنایی متن است.

پژوهش حاضر در بستر زبان‌شناختی و با تکیه بر نظریه «کارگفت‌ها یا کنش‌های گفتاری» در طبقات پنج‌گانه جان سرل (۱۹۶۹)، به بررسی نقش کارگفت‌ها در بافت یک متن دینی می‌پردازد. هدف اصلی این مطالعه نیز بررسی میزان تطبیق‌پذیری نظریه کارگفت و کارکردهای ویژه آن در رمزگشایی معنایی لایه پنهان وزیرین یکی از متون بسیار معتبر دینی است. انتخاب متن نهج‌البلاغه

و سخنان امام علی (علیه السلام) در این تحقیق به دلیل اوج فصاحت و بلاغت و شگفتی‌های معنایی حاصل از بافت و موقعیت‌های حاکم بر کلام وی می‌باشد. در این میان گزینش خطبه موسوم به «خطبه قاصعه» از میان سایر خطبه‌های بلیغ و فصیح از متن نهج البلاغه به دلیل ویژگی‌های اجتماعی و اخلاقی گنجانده شده در آن، در شرایط بافتی و موقعیتی فرازبانی می‌باشد. موضوع این خطبه نکوهش تعصب و خود پسندی، نفی عصبیت و تحسین فروتنی است. این خطبه به لحاظ بافت زمانی در اواخر حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و در موقعیت مکانی شهر کوفه ایراد شده است و امام در این خطبه تفرقه اجتماعی و عاملان آن را نکوهش می‌کند. دستیابی بیشتر به لایه‌های معنایی متن این خطبه با مشخصه‌های ویژه آن با بهره‌گیری از نظریه‌های زبان‌شناسی کاربردی امکان‌پذیر است.

۲. پیشینه تحقیق

در طی قرون گذشته تفاسیری با ارزشی توسط علمای اسلامی بر کتاب نهج البلاغه نوشته شده است. شرح و تفسیر دانشمندان اسلامی برای روشن ساختن و رمزگشایی معنای سخنان امام علی (علیه السلام) با بهره‌گیری از مراجع متفاوت تاریخی، اجتماعی، عرفانی، فلسفی و سیاسی ارائه شده است (زودرنج و اربطی مقدم، ۱۴۰۱). بیشتری مطالعاتی که در متن این کتاب صورت گرفته، در قالب بیان و تفسیر آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی آن بوده است و به رویکردهای نظری زبان‌شناختی کمتر توجه شده است؛ لذا، در این بخش به مطالعاتی که پیش‌تر در راستای موضوع پژوهش حاضر به شکل مستقیم و غیرمستقیم در قالب رویکرد نظری تحقیق محقق گردیده اشاره می‌کنیم.

بلاوی و ماهوزی (۱۳۹۸) فرایند کاربست الگوهای تحلیل کنش‌های کلامی امام علی (علیه السلام) را در نهج البلاغه مورد بررسی قرار دادند. هدف این پژوهش کمک به تبیین هرچه بهتر اندیشه‌های سیاسی حضرت علی (علیه السلام) بر اساس الگوی کنشی بوده است. نتایج حاصل از تحقیق آنها نشان داد که کنش ترغیبی در گفتار سیاسی علی (علیه السلام) به نسبت سایر کنش‌ها وجه غالب است و دلیل این

بسامد بالا آن بوده که حضرت علی علیه السلام در تلاش بوده کارگزاران جامعه را به سمت‌وسوی انجام کارهای پسندیده و برای هر چه بهترشدن جامعه مسلمانان به‌صورت توصیه و پیشنهاد ترغیب نماید.

طباطبایی، لطفی و قاسمی (۱۳۹۳) خطبه‌های نهج‌البلاغه را در چارچوب نظریه کنش‌گفتاری طبقه‌بندی و بررسی کردند آنها معتقدند که بررسی گفته‌های امام علی علیه السلام در خطبه‌ها، در واقع مطالعه کنش‌هایی است که آن حضرت از طریق کلام انجام داده اند. آنها میزان فراوانی کارگفت‌ها را در خطبه‌ها بررسی کرده و شرایط تولید آنها را در بافت و موقعیت‌های متفاوت توصیف کرده اند. بهلوان نژاد و رجب‌زاده (۱۳۸۹) در مقاله خود بر پایه نظریه کنش‌گفتار، به بررسی ۱۰۷ کنش‌گفتاری در متن این زیارتنامه امام رضا علیه السلام پرداختند. ایجاد ارتباط عمیق عاطفی از قبیل ارادتمندی، قدردانی و دوستی بین گوینده و مخاطبان. هدف اصلی این کنش‌ها بوده است و کنش‌های عاطفی با ۳۸ مورد بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند.

ایشانی و نعمتی قزوینی (۱۳۹۳) در خطبه حضرت زینب علیها السلام بر اساس نظریه سرل، به این نتیجه رسیده‌اند که کنش‌های اظهاری، عاطفی و ترغیبی به ترتیب دارای بیشترین بسامد و کنش‌های اعلامی و تعهدی از کمترین فراوانی برخوردارند. حضرت زینب علیها السلام برای افشاگری علیه ظلم و ستم خاندان اموی از کنش اظهاری، برای بیان واقعه دردناک عاشورا از کنش عاطفی و برای بیدار کردن مردم غافل و جهل زده کوفه از کنش ترغیبی استفاده کرده اند. ارتباط بافت موقعیتی خطبه با انواع کنش‌های به کار رفته و بسامد آنها نشان دهنده قدرت بالای مخاطب‌شناسی و درک عمیق آن بانو از بافت موقعیت است. ویسی و اورکی (۱۳۹۴) در بررسی کنش‌های گفتاری بر اساس آستین در پانزده جزء دوم قرآن کریم نتیجه گرفتند که قرآن کریم با بهره‌گیری از قابلیت‌های کنش‌های زبانی برای فهم آموزه‌های اخلاقی قرآن طور حکیمانه بهره‌گیری کرده است. همچنین از میان مقولات دستوری پرکاربرد، قالب پرسشی را برگزیدند.

میرقادی و اشراق‌پور (۱۳۹۵) به بررسی کنش‌های گفتاری در مناجات امام حسین علیه السلام پرداختند که مخاطب خاص آن فقط خداوند است، بر خلاف سایر پژوهش‌های انجام شده که همیشه مخاطب آنها از جنس بشر بوده، لذا از آنجا که امام در آن شرایط روحی و جسمی سخت، یابوری جز خداوند برای مناجات نداشته، کنش عاطفی و صریح و خبری، بیشترین بسامد را داشته‌اند. همچنین در این پژوهش، نتایج نشان داد که فعل‌های صریح و غیرصریح و ضمایر ارجاعی متناسب با بافت وجود دارد که از بسامد بالایی برخوردار است.

نجفی ایوکی و همکاران (۱۳۹۶) خطبه شششنبه را بر اساس نظریه کارگفت‌های سرل تحلیل نمودند، با توجه به این که این خطبه در مورد درد و دل‌های امام علی از ماجرای سقیفه است و مسائل سیاسی، اخلاقی، تاریخی، اعتقادی را بیان می‌کند، با تحلیل تعداد ۴۱ پاره‌گفتار دریافتند که این خطبه از منظر گوینده به متن نگاه می‌کند و کنش‌های آن گوینده محور است. امام با استفاده از کنش‌های گفتاری به‌ویژه کنش اظهاری و عاطفی بدین امر اصرار دارد که حکومت حقی بوده که از ایشان غصب شده است.

پژوهش‌های دیگری نیز در راستای انجام شده مانند تحلیل خطبه فدکیه، تحلیل زیارت امین‌الله، تحلیل خطبه یک‌صد و یازدهم که جهت اختصار از ذکر نام آنها خودداری می‌کنیم. با نگاهی به پژوهش‌های حاضر به نظر می‌رسد که تاکنون پژوهشی مستقل در خطبه ۱۹۲ نهج‌البلاغه یا همان (قاصعه) تجزیه و تحلیل نگردیده تا کارگفت‌های آن از نظر بسامد و عملکرد زبانی بررسی و مقایسه شود.

در پژوهش حاضر، به روش تحلیل محتوا و در چارچوب نظریه کارگفت آستین و سرل به توصیف متن و محتوای خطبه‌های موردنظر پرداخته شده است. برای تحقق مراحل پژوهش در ابتدا نوع کارگفت‌ها را مشخص کرده و سپس با استفاده از نرم‌افزار تحلیل محتوا مضامین متفاوت متن خطبه طبقه‌بندی شده‌اند. برای انجام این کار مشخصه‌های صوری و ظاهری پاره‌گفتارها، نه کنش

منظوری آنها مورد توجه قرار می‌گیرد. در مرحله دوم پس از تعیین کارگفت‌ها و کنش گفتاری به تعیین توان منظوری و غیر بیانی آن پاره‌گفت می‌پردازیم و نیز به این مسئله توجه می‌شود مبنی بر اینکه چگونه می‌توان بدون تأثیرپذیری از عوامل دیگر توان منظوری خالق متن را بدون جرح و تعدیل با تکیه بر عوامل بافتی حاکم بر تولید آن محقق سازیم. پس از مشاهده و بررسی کنش‌های گفتاری در خطبه قاصعه به تحلیل و مقایسه بسامد وقوع هر یک از آنها در بافت‌های مختلف در قالب جدول‌ها و نمودارها پرداخته می‌شود. برای جمع‌آوری داده‌ها از منابع دسته اول و دسته دوم مانند «نهج البلاغه» و «نهج السعاده» اثر محمدباقر محمودی استفاده شده است؛ بنابراین، طبق نظریه کارگفت‌ها ما می‌توانیم متن‌ها را به‌عنوان کنش در نظر بگیریم، به همین سبب می‌توان گفت که متون مذهبی نیز باید به‌عنوان کنش‌های دینی محسوب شوند. این نوع نگاه به متن به‌عنوان کنش، به پژوهشگران متون مذهبی این امکان را داده است تا ماهیت دینی این متون را به شکل نظام‌مندتری تفسیر کنند.

بررسی مطالعات پیشین در حوزه مرتبط با این تحقیق مشخص ساخته که به جز مواردی اندک تاکنون بررسی قابل توجهی در این خصوص محقق نگردیده است که در بخش پیشینه تحقیق به اختصار به هر یک اشاره خواهد شد. به همین دلیل ضرورت انجام این بررسی برجسته می‌گردد و در مسیر رمزگشایی معنایی بیشتر متن خطبه با در نظر گرفتن شرایط بافتی و موقعیتی ایراد کلام و خطبه و نیز توجه به عواملی فراتر از ساختار پاره‌گفتارها و جملات بررسی حاضر برای پژوهش‌های آتی می‌تواند الهام‌بخش باشد. در این جستار که به روش توصیف و تحلیل محتوی و بهره‌گیری از روش‌های آماری و در چارچوب نظریه کنش‌های گفتاری سرل انجام شده، به دنبال پاسخگویی به یک سؤال اصلی و دو سؤال فرعی زیر هستیم:

سؤال ۱. آیا نظریه کارگفت‌ها می‌تواند در خوانشی جدید و رمزگشایی بیشتر متن نهج البلاغه

مورد نظر به خواننده کمک کند؟

سؤال ۲. کدامیک از کارگفت‌ها در خطبه مورد نظر از بسامد وقوع و فراوانی بیشتری برخوردارند؟

سؤال ۳. دلایل فراوانی بالا و پایین کارگفت‌ها نسبت به همدیگر چیست؟ آیا کارگفت‌ها با بافت موقعیتی خطبه و محتوای آن تناسب دارند؟

۳- روش پژوهش

جان آستین (۱۹۶۲) استاد فلسفه اخلاق دانشگاه آکسفورد با طرح رویکرد خود مصمم بود نشان دهد که با استفاده از زبان روزمره علاوه بر بازنمایی حقایق جهان، بسیاری از کارها نظیر ترغیب، تهدید، احترام، و غیره را می‌توان با کلمات کنشی انجام داد. سرل (۱۹۶۹) نظریه کنش‌گفتاری را مطرح کرد و آنرا گسترش داد. در باره تشخیص انواع کنش‌ها، سرل به ماهیت کارکرد افعال در جمله تکیه دارد و از سوی دیگر به به کنش یا منظور ماهیت کلام توجه می‌کند. بنابراین در تشخیص منظور یا مقصود گوینده، اگر جمله تشویق به انجام امری بود، آن را ترغیبی و اگر تعهد به انجام کاری بود آن را تعهدی می‌نامد. اصطلاح کنش‌گفتاری به عملی گفته می‌شود که در نتیجه یک گفته رخ می‌دهد. به این کارکرد زبانی کنش‌های گفتاری (speech acts) می‌گویند. کنش‌های گفتاری یا کارگفت‌ها به ۵ دسته تقسیم می‌شوند که به اختصار تعریف می‌گردند.

الف. کنش اظهاری (بیانی)

کنش گفتاری اظهاری (representative) گزاره‌ای ((proposition را مطرح (صفوی، ۱۳۸۷) و نشان می‌دهد که گوینده به بیان اظهاراتی می‌پردازد که به آنها باور دارد و آنها را پذیرفته است.

ب. کنش ترغیبی

کنش‌های گفتاری که مخاطب را در انجام کاری ترغیب می‌کند و سعی دارد که عملی در آینده توسط شنونده انجام شود (یول، ۱۹۹۶).

ج. کنش تعهدی

کنش گفتاری است که گوینده متعهد می‌شود تا عملی را در آینده انجام دهد و در این قول باید توان انجام آن را داشته باشد.

د. کنش عاطفی

این کنش حالت روانی گوینده را در خصوص یک پدیده یا موضوع نشان می‌دهد. این کنش گفتاری بیشتر بر اساس بیان احساسات و عواطف درونی گوینده اشاره دارد.

ه. کنش اعلامی

در کنش اعلامی گوینده هم‌زمان با بیان گفتار خود شرایط تازه‌ای را برای مخاطب یا مخاطبان در جهان خارج فراهم می‌کند. گوینده باید قدرت و صلاحیت لازم را برای تحقق شرایط جدید داشته باشد تا موجب رخدادن رویدادی در همان زمان یا در آینده نزدیک گردد.

۱-۳. تحلیل مضامین کارگفت‌ها در خطبه قاصعه

بافت و موقعیت‌های زمانی و مکانی حاکم بر تولید سخن و گفتار در بررسی‌های زبان‌شناسی کاربردی اهمیت بسیاری دارد به همین سبب، در ادامه به معرفی بافت برون‌زبانی که شامل بافت موقعیتی و اجتماعی مرتبط با خطبه قاصعه می‌باشد می‌پردازیم. به همین جهت، در این بررسی بیش از آنکه به بافت درون‌زبانی توجه بشود به بافت برون‌زبانی تمرکز می‌شود. در این خطبه ابتدا به دلیل اهمیت بافت‌های مختلف تاریخی، اجتماعی، زمانی و مکانی و غیره به بیان بافت تاریخی، مکانی و زمانی خطبه پرداخته‌ایم.

۲-۳. بافت تاریخی، مکانی و زمانی خطبه

خطبه ۱۹۲ نهج‌البلاغه به خطبه قاصعه معروف است که یکی از دلایل این نام‌گذاری فصاحت و بلاغت و کوبنده بودن این خطبه است. این خطبه طولانی محتوایی اخلاقی و اجتماعی دارد و

موضوع آن نکوهش خودپسندی است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خصوص تفرقه اجتماعی هشدار داده و عاملان آن را سرزنش می‌کند. وی مشکلاتی که در آن عصر در جامعه اسلامی به وجود آمده بود را بازگو نموده و برای خاموش کردن آتش این فتنه‌ها این خطبه را ایراد فرمود. این خطبه تکان دهنده است و برای همین جهت آن را خطبه قاصعه یعنی کوبنده نام نهاده‌اند.

هدف اصلی از بیان این خطبه طولانی و مملو از اندرزهای عالی و انسان‌ساز، مبارزه با کبر و غرور و تعصب‌های جاهلی و طائفی بوده که در عصر آن حضرت سرچشمه نزاع‌های خونین قبایل و افراد شده است. در این خطبه مطالب بسیار ارزشمندی ایراد گردیده است که توجه به آنها در فهم خطبه نقش اساسی دارد و عناوین اصلی آن طبق ترجمه دشتی (۱۳۹۶) به نکوهش تکبر و خودپسندی، خیره‌سری و الگوهای کامل ایمان است.

در بخش تحلیل، تمرکز خود را بیشتر بر موضوعاتی از خطبه معطوف ساخته‌ایم از قبیل: نکوهش تکبر و خودپسندی شیطان، هشدار از دشمنی‌های شیطان، پرهیز از تکبر و اخلاق جاهلی و پرهیز از سران متکبر و خودپسند و ستمکار.

۴. یافته‌ها

از آنجایی که خطبه مورد بحث بسیار طولانی است، به دلیل محدودیت فضای پژوهش حاضر، به ناچار صرفاً بخش‌های مربوط به نکوهش شیطان و تکبر را طبق تقسیم‌بندی دشتی (۱۳۹۶) درکنار ترجمه مکارم شیرازی، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم.

در این پژوهش، واحد تحلیل را محتوای پاره‌گفتار در نظر گرفته‌ایم که می‌تواند شامل یک کلمه، یک جمله یا چند جمله باشد و هر واحد دارای فعل یا مفهوم فعلی است و برای هر فعل آن گاهی می‌توان بیش از یک کنش‌گفتاری در نظر گرفت که شامل یک کنش بیانی است که به محض مطالعه دریافت می‌شود و یک کنش منظوری دارد که در حقیقت مفهوم آن جمله است.

۱-۴. هشدار از دشمنی‌های شیطان

«فَاحْذَرُوا عِبَادَ اللَّهِ عَدُوَّ اللَّهِ أَنْ يُعَدِّيَكُمْ بَدَائِهِ، وَأَنْ يَسْتَفْزِزَكُمْ بِنِدَائِهِ، وَأَنْ يَجْلِبَ عَلَيْكُمْ بِخِيَلِهِ وَرَجْلِهِ»

ای بندگان خدا از دشمن خدا پرهیز کنید، مبادا شما را به بیماری خود مبتلا سازد، و با ندای خود شما را به حرکت در آورد، و با لشکرهای پیاده و سواره خود بر شما بتازد.

حرف (فاء) نشانه نتیجه‌گیری بین دو موضوع است این گفتار مولا برگرفته از آیه قرآن است که می‌فرماید: «وَأَسْتَفْزِزُ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجْلِكَ» (الإسراء/۶۴) هر کدام از آنها را می‌توانید با صدايت تحريك كن و لشكر سواره و پیاده ات را بر آنها گسیل دار.

امام با گفتن مبدا اصرار می‌کند که به خواسته‌های شیطان تن در ندهید که نشانه وجود کنش اظهاری است. کنش بیانی جملات امری از نوع ترغیبی است که در اینجا نشانه هشدار است. همچنین می‌فرماید که شیطان دچار بیماری کبر و غرور و تعصب است یعنی از حالات درونی شیطان سخن می‌گوید پس شامل کنش گفتاری عاطفی می‌باشد.

«فَلَعَمْرِي لَقَدْ فَوَّقَ لَكُمْ سَهْمَ الْوَعِيدِ، وَأَغْرَقَ إِلَيْكُمْ بِالنَّزْعِ الشَّدِيدِ، وَرَمَاكُمْ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ»

به جانم سوگند، شیطان تیر خطرناکی برای شکار شما بر چله کمان گذارده، و تا حد توان کشیده، و از نزدیک‌ترین مکان شما را هدف قرار داده است.

کاربرد حرف تأکیدی (لقد) قبل از پاره گفتار نشان می‌دهد که امام در پی بیان عقیده خود درباره نقشه شیطان و همچنین ثابت کردن آن است. پس کنش صوری آن اظهاری است. ولی از طرفی می‌خواهد به مردم هشدار بدهد که مراقب وسوسه‌های شیطانی باشند پس کنش واقعی آن ترغیبی است که هدف از بیان آن ترغیب دیگران برای دوری از شیطان است.

آن‌گاه شاهد این سخن را از کلام خود ابلیس (طبق آیه‌های قرآن) چنین بیان می‌کند. «فَقَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (حجر/۳۹)

شیطان گفته است پروردگارا! بدین جهت که مرا اغوا کردی (و از رحمت خود محروم ساختی) زرق و برق

زندگی دنیا را در چشم آنها جلوه می‌دهم و همه را اغوا می‌کنم و از رحمت محروم می‌سازم.

جمله (لَاغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ) که با (لام) قسم شروع شده و با (نون) تأکید ثقیله و تصریح به واژه (اجمعین) پایان گرفته شاهد بر این است که شیطان در اهداف پلید خود بسیار جدی است و به همین دلیل انسان‌ها باید کاملاً بیدار و هوشیار باشند تا در دام‌های رنگارنگ او نیفتند. علاوه بر هشدار دادن از نوع کنش ترغیبی، همچنین شاهد متعهد شدن شیطان برای فریب دادن انسان‌ها هستیم پس دارای کنش تعهدی است. مفهوم تعهد شیطان برای فریب و انحراف انسان‌ها با بیان این جمله آشکارتر می‌گردد. لازم به ذکر است که جمله (رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي...: پروردگارا به سبب آنکه مرا گمراه ساختی...) از دروغها و افتراهای شیطان به ساحت قدس پروردگار است و نشان می‌دهد که او تا چه حد جسور و بی پرواست که چنین دروغ بزرگی را به خدا می‌بندد، و با ذکر این دلیل به کار اغوای مردم می‌پردازد که نشانه وجود کنش اظهاری دلیل آوردن و کنش عاطفی با فعل افترا زدن و تهمت زدن است.

سپس می‌افزاید: «حَتَّىٰ إِذَا انْقَادَتْ لَهُ الْجَامِحَةُ مِنْكُمْ، وَ اسْتَحْكَمَتِ الطَّمَاعِيَةَ مِنْهُ فَيَكْمُ، فَتَجَمَّتِ الْحَالُ مِنَ السَّرِّ الْخَفِيِّ إِلَى الْأَمْرِ الْجَلِيِّ. اسْتَفْحَلَ سُلْطَانَهُ عَلَيْكُمْ، وَ دَلَفَ بِجُنُودِهِ نَحْوَكُمْ»

این وضع همچنان ادامه یافت تا اینکه افراد سرکش شما تسلیم شیطان شدند، و طمع‌ورزی او را در شما کارگرفتاد، و این حقیقت بر همه آشکار گردید، و حکومت شیطان بر شما استوار شد و با لشکر خویش به شما یورش برد.

(حتی) حرف ابتدائی و استیناف است که بعد از آن جمله‌ای می‌آید ولی از لحاظ معنا به ماقبلش مربوط است یعنی جمله بعدی را نتیجه و دلیل جمله قبل قرار می‌دهد. نشانه کنش اظهاری از فعل نتیجه گرفتن است. همچنین افراد دارای حالات روحی که قدرت دفاع از خود را ندارند و گرفتار انواع مشکلات می‌شوند، نشانه کنش عاطفی در تاسف به خاطر این مشکلات است. مفهوم این پاره گفتارها این است که امام (علیه السلام) به دیگران هشدار می‌دهد که در این مهلکه نیفتند.

پس کنش منظوری شامل کنش هشدار می‌باشد.

در ادامه این سخن در هشت جمله کوتاه و پر معنا آثار حمله گسترده لشکر شیطان را برشمرده و می‌فرماید: «فَأَقْصَمُكُمُ وَكِبَاتِ الدَّلِّ، وَ أَحْلَوُكُمْ وَرَطَاتِ الْقَتْلِ، وَ أَوْطُوَكُمْ إِثْخَانَ الْجِرَاحَةِ، طَعْنًا فِي عِيُونِكُمْ، وَ حَزًّا فِي حُلُوقِكُمْ، وَ دَقًّا لِمَنَاخِرِكُمْ، وَ قَصْدًا لِمَقَاتِلِكُمْ، وَ سَوْفًا بِخَزَائِمِ الْقَهْرِ إِلَى النَّارِ الْمُعَدَّةِ لَكُمْ»

آنها شما را به پناهگاه ذلت کشانند و در مهلکه‌های قتل وارد کردند، و زخم خوردگان شما را در زیر پاها له کردند، نیزه‌های خود را در چشمان شما فرو بردند، گلوی شما را بریدند، بینی شما را کوبیدند، و قصد هلاکت شما کردند و (سرانجام) شما را با قهر و غلبه به سوی آتش (غضب الهی) که برایتان آماده شده کشانند.

با بیان نتیجه عاقبت متکبران و توصیف وضعیت آنان از زبان امام، درمی‌یابیم که کنش بیانی پاره‌گفتار اظهاری است ولی چون جنبه هشدار دهنده دارد، کنش منظوری ترغیبی دارد. تأسّف خوردن امام علیه السلام برای آنها نیز نشانه کنش عاطفی است.

«فَلَعَمَرَ اللَّهُ لَقَدْ فَخَرَ عَلَى أَصْلِكُمْ، وَ وَقَعَ فِي حَسْبِكُمْ، وَ دَفَعَ فِي نَسَبِكُمْ، وَ أَجْلَبَ بِخَيْلِهِ عَلَيْكُمْ، وَ قَصَدَ بِرَجْلِهِ سَيْلِكُمْ»

به خدا سوگند! او (شیطان) بر اصل و ریشه شما تفاخر کرد و به حسب شما طعنه زد و بر نسب شما عیب گرفت و با سپاه سواره خود به شما حمله آورد و با پیاده نظامش راه را بر شما بست.

(لَعَمَرَ اللَّهُ) دارای کنش بیانی و منظوری تعهدی و فعل سوگند خوردن است. و جمله بعد از لقد همان نتیجه سخنان قبلی و بیان حقیقت است. پس دارای کنش اظهاری است. فخر فروشی، طعنه و عیب‌جویی شیطان نشانه وجود کنش عاطفی است. در واقع امام با استفاده از کنش ترغیبی مردم را از خطر دوستی شیطان بر حذر می‌دارند.

«فَأَطْفُوا مَا كَمَنَّ فِي قُلُوبِكُمْ مِنْ نِيرَانِ الْعَصَبِيَّةِ وَ أَحْقَادِ الْجَاهِلِيَّةِ، فَإِنَّمَا تِلْكَ الْحَمِيَّةُ تَكُونُ فِي الْمُسْلِمِ مِنْ خَطَرَاتِ الشَّيْطَانِ وَ نَخَوَاتِهِ، وَ نَزَعَاتِهِ وَ نَفَثَاتِهِ»

پس شراره‌های تعصب و کینه‌های جاهلیت را که در دل‌هایتان پنهان شده خاموش سازید، زیرا این نخوت و

تعصب ناروا که در مسلمان پیدا می‌شود از القانات شیطان و نخوتها و فسادها و وسوسه‌های اوست.

در اینجا امام علیه السلام به نکته حساسی اشاره می‌کند و با تشبیهات بسیار زیبایی در نهایت فصاحت و بلاغت به همگان هشدار می‌دهد و از آثار مرگبار تعصبات کور و تکبرها بر حذر می‌دارد، پس فعل **(فَاطِفُوا)** امری و دارای کنش بیانی و منظوری ترغیبی است.

۲-۴. پرهیز از تکبر و اخلاق جاهلی

«أَلَا وَ قَدْ أَمَعْتُمْ فِي الْبَغْيِ، وَ أَفْسَدْتُمْ فِي الْأَرْضِ مَصَارِحَهُ لِلَّهِ بِالْمَنَاصِبَةِ، وَ مَبَارِزَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ بِالْمَحَارِبَةِ»

آگاه باشید در سرکشی و ستم زیاده روی کردید، و در زمین در دشمنی با خداوند فساد به راه انداختید، و آشکارا با بندگان خدا به نبرد پرداختید.

امام علیه السلام کسانی را که به جهت تعصبات جاهلیت قبائل منشأ فساد و خونریزی می‌شدند دشمنی صریح با خدا محسوب می‌کند. (أَلَا) حرف استفتاحیه برای هشدار دادن و به معنای آگاه باشید است بنابراین، پیام دارای کنش ترغیبی است.

آن گاه امام علیه السلام می‌فرماید: «أَمْرًا تَشَابَهَتْ الْقُلُوبُ فِيهِ، وَ تَتَابَعَتْ الْقُرُونُ عَلَيْهِ، وَ كِبْرًا تَضَاقَبَتْ الصُّدُورُ بِهِ» آنها پیروی از چیزی کردند که دلها در آن، شبیه و هماهنگ بود و قرن‌ها پی در پی بر آن گذشت و کبر و غروری را پذیرا شدند که (بر اثر فزونی) سینه‌ها با آن تنگ شد.

اشاره به این مسئله دارد که کبر و غرور و آثار شوم آن مهمترین دام شیطان در تمام دوره‌ها از گذشته تا به امروز و آینده است و در همه امت‌ها و ملت‌ها وجود داشته و سرچشمه نزاع‌ها و غفلت‌هاست. کنش بیانی این پاره گفتار از نوع اظهاری است و اشاره به آثار سوء آن نشانه کنش ترغیبی از نوع هشدار است.

۳-۴. پرهیز از سران متکبر و خودپسند

«أَلَا فَالْحَدَرَ الْحَدَرَ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ وَ كِبْرَانِكُمْ! الَّذِينَ تَكْبَرُوا عَنْ حَسَبِهِمْ، وَ تَرَفَّعُوا فَوْقَ نَسَبِهِمْ»

آگاه باشید زهار زهار از پیروی و فرمانبرداری سران و بزرگان، آنان که به اصل و حسب خود می‌نازند، و خود را

بالاتر از آنچه که هستند می‌پندارند.

امام علیه السلام با عبارات تأکیدی «أَلَا قَالِحَدَرَ الْحَدَرَ» مردم را از پیروی بی قید و شرط برحذر میدارند که نشانه کنش ترغیبی است. این سخن در واقع، برگرفته از آیات قرآن مجید است که در قیامت از اطاعت سران و بزرگان خود اظهار ندامت می‌کنند و می‌گویند «رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا» (الأحزاب/ ۶۷) پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند.

جمله «الْقَوْمَ الْهَاجِينَ عَلَى رَبِّهِمْ» کارهای نادرست را به خدا نسبت می‌دهند، اشاره به این واقعیت است که آنها نسب خود را برتر می‌شمرند و زشتی نسب دیگران را به خدا نسبت می‌دادند. کنش بیانی از نوع اظهاری و توصیف کردن است ولی افترا زدن نشانه کنش منظوری عاطفی است.

سپس امام علیه السلام به ذکر دلیلی برای پرهیز از پیروی این گونه ناسپاسان پرداخته، چنین می‌فرماید «فَإِنَّهُمْ قَوَاعِدُ أَسَاسِ الْعَصَبِيَّةِ، وَ دَعَائِمُ أَرْكَانِ الْفِتْنَةِ، وَ سِيُوفُ اعْتِزَاءِ الْجَاهِلِيَّةِ» آنها اساس و بنیان تعصب و ستون و ارکان فتنه و فساد و شمشیرهای تکبر جاهلیتند.

امام علیه السلام تعصب و فتنه را به خانه‌ای تشبیه می‌کند که مصالح آن را مفسدان و متکبران خودخواه تشکیل می‌دهند و سپس سردمداران فساد را به منزله شمشیرهای بُرنده می‌شمارد. در واقع امام علیه السلام همگان را از سکونت در چنین خانه‌ای باز می‌دارد یعنی کنش منظوری ترغیبی با مفهوم تحذیر به کار رفته است.

سپس می‌افزاید «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَكُونُوا لِنِعْمَةِ عَلَيْهِ عَلَيْكُمْ أُضْدَادًا، وَ لَا لِفَضْلِهِ عِنْدَكُمْ حُسَادًا» از خدا بترسید و با نعمتهایی که او به شما ارزانی داشته مخالفت نکنید و نسبت به فضل و بخشش او به یکدیگر حسادت نورزید.

پس از حرف (فاء) نتیجه‌گیری می‌آید که نشانه کنش اظهاری است. امام با امر و نهی کردن مردم میخواهد بگوید که در واقع آنها که کفران نعمت می‌کنند و راه تکبر و غرور را پیش می‌گیرند، کار آنها با کار حسودان و دشمنان یکی است. کنش‌های ترغیبی و عاطفی در این پاره گفتار برای برحذر داشتن مردم از صفات رذیله حسادت و دشمنی است.

«وَلَا تُطِيعُوا الْأَدْعِيَاءَ الَّذِينَ شَرِبْتُمْ بِصَفْوِكُمْ كَدْرَهُمْ، وَ خَلَطْتُمْ بِصِحَّتِكُمْ مَرَضَهُمْ، وَأَدْخَلْتُمْ فِي حَقِّكُمْ بَاطِلَهُمْ» از افراد فرومایه اطاعت نکنید همانها که به موجب صفای باطن خویش، آب تیره نفاقشان را نوشیدید و تدرستی خویش را با بیماری آنها آمیختید و در اعتقاد حق خود، عقیده باطل آنها را راه دادید.

توان منظوری نهی مردم از فرومایگان دعوت می‌کند و کنش ترغیبی را به کار می‌برد. همچنین با استفاده از کنش بیانی اظهاری به شرح اوصاف گروه ادعیاء پرداخته و می‌فرماید: منافقان مستکبر، از حسن نیت شما سوء استفاده کردند و افکار آلوده و بیمار خود را در روح و جان شما تزریق کردند. بر همه شما لازم است که آنها را بشناسید و جامعه خود را از افکار و برنامه‌های آنها پاک کنید. ازین پاره گفتار کنش ترغیبی با مفهوم امر کردن برداشت می‌شود.

«وَهُمْ أَسَاسُ الْفُسُوقِ، وَأَحْلَاسُ الْعُقُوقِ» آنها اساس گناه و همشین نافرمانی و عصیانند.

امام علی (علیه السلام) این جملات را برای توضیح بیشتر بیان می‌کند. مفهوم جمله بالا این است که همه گناهان و مفسد اجتماعی از زمامداران فاسد و مستکبر سرچشمه می‌گیرد. نوع کنش در اینجا اظهاری است.

۴-۴. پرهیز از ستمکاری

امام علی (علیه السلام) در این بخش از خطبه باز به دنبال هدف اصلی مجموع خطبه یعنی نکوهش کبر و غرور و نشان دادن آثار سوء آن است. ولی این بار به سراغ عبادت و واجبات و فرایض الهی می‌رود و بیان می‌کند که خداوند بندگان باایمان خود را با نمازها و زکات‌ها و مجاهدت‌ها از ظلم و کبر محافظت می‌نماید.

ابتدا می‌فرماید «قَالَ اللَّهُ فِي عَاجِلِ الْبَغْيِ، وَ آجِلِ وَخَامَةِ الظُّلْمِ، وَ سُوءِ عَاقِبَةِ الْكِبْرِ»

خدا را خدا را! از کیفر سریع سرکشی و سرانجام وخیم ظلم و ستم و سوء عاقبت تکبر بر حذر باشید.

عبارت (قَالَ اللَّهُ) به معنی قسم خوردن برای بیان یک امر مهم می‌تواند به‌عنوان کنش بیانی تعهدی در نظر گرفته شود. سپس با استفاده از کنش منظوری ترغیبی به عواقب سوء بغی و ظلم،

هشدار می‌دهد. همچنین با کنش منظوری عاطفی، صفات اخلاقی کبر و ستم را نکوهش می‌کند. در ادامه، بسامد وقوع و درصد فراوانی هر یک از کنش‌های موجود در متن خطبه قاصعه را با توجه به توصیف آنها در بخش قبلی در قالب جدول کنش‌های بیانی ارائه می‌دهیم. بر اساس موارد ذکر شده در جدول ۱ به ۳۸ مورد از پاره‌گفتارها اشاره کردیم و نوع کنش‌های بیانی و منظوری آن را تعیین کردیم. برای پاره‌گفتارهایی که کنش بیانی و منظوری آنها با هم یکسان بود، فقط یک کنش را در نظر گرفتیم. در جدول شماره ۵ درصد و فراوانی کنش‌های به‌کاررفته، نشان داده شده است.

جدول ۱: کنش‌های گفتاری در خطبه قاصعه « هشدار از دشمنی‌های شیطان »

ردیف	پاره گفتار	کنش بیانی	کنش منظوری	توضیحات
۱	فَاحْذَرُوا عِبَادَ اللَّهِ عَدُوَّ اللَّهِ	ترغیبی	ترغیبی	هشدار دادن
۲	أَنْ يُعَذِّبَكُمْ بِدَائِهِ وَ أَنْ يَسْتَفْزِكُمْ بِدَائِهِ وَ أَنْ يَجْلِبَ عَلَيْكُمْ بِخَيْلِهِ وَ رَجْلِهِ،	اظهاری	ترغیبی / عاطفی	تأکید کردن / اخطار دادن / تکبر داشتن
۳	فَلَعَمْرِي	تعهدی	تعهدی	سوگند خوردن
۴	لَقَدْ فُوقَ لَكُمْ سَهْمَ الْوَعِيدِ وَأَغْرَقَ إِلَيْكُمْ بِالنَّزْعِ الشَّدِيدِ وَ رَمَاكُمْ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ،	اظهاری	ترغیبی	تأکید کردن / اخطار دادن
۵	فَقَالَ	اظهاری	اظهاری	بیان کردن باور خود
۶	رَبِّ مَا أَعُوذُ بِكَ لَأَزِينَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأَعُوذُنَّ بِأَجْمَعِينَ	اظهاری / تعهدی	ترغیبی / عاطفی	ذکر دلیل / عهد کردن / هشدار دادن / افترا زدن
۷	قَدْأَفَا بَغَيْبٍ بَعِيدٍ وَ رَجْمًا بِظَنِّ غَيْرِ مُصِيبٍ	اظهاری	عاطفی	توصیف کردن / گمان کردن
۸	صَدَقَهُ بِهِ أَبْنَاءُ الْحَمِيَةِ وَ إِخْوَانُ الْعَصَبِيَّةِ وَ فُرْسَانُ الْكِبَرِ وَ الْجَاهِلِيَّةِ،	عاطفی	اظهاری	تصدیق کردن / توصیف کردن

ردیف	پاره گفتار	کنش بیانی	کنش منظوری	توضیحات
۹	حَتَّىٰ إِذَا انْقَادَتْ لَهُ الْجَامِحَةُ مِنْكُمْ وَ اسْتَحْكَمَتِ الطَّمَاعِيَةُ مِنْهُ فِيكُمْ، فَتَجَمَّتِ الْحَالُ مِنَ السَّرِّ الْخَفِيِّ إِلَى الْأَمْرِ الْجَلِيِّ، اسْتَفْحَلَ سُلْطَانُهُ عَلَيْكُمْ وَ دَلَفَ بِجَنُودِهِ نَحْوَكُمْ،	اظهاری	ترغیبی / عاطفی	نتیجه گیری کردن / هشدار دادن / طمع داشتن
۱۰	فَأُفْحِمُوكُمْ وَلِجَاتِ الدَّلُّ وَ أَحْلُوَكُمْ وَرَطَّاتِ الْقَتْلُ وَ أَوْطَأُوكُمْ إِثْحَانَ الْجِرَاحَةِ طَعْنًا فِي عُيُونِكُمْ وَ حَزًّا فِي حُلُوقِكُمْ وَ دَقًّا لِمَنَاخِرِكُمْ وَ قَصْدًا لِمَقَاتِلِكُمْ وَ سَوْفًا بِخِزَائِمِ الْقَهْرِ إِلَى النَّارِ الْمُعَدَّةِ لَكُمْ،	اظهاری	عاطفی / ترغیبی	نتیجه گرفتن / توصیف کردن / اخطار دادن / تأسف خوردن
۱۱	فَأُصْبِحَ أَعْظَمَ فِي دِينِكُمْ حَرْجًا وَ أَوْرَى فِي دُنْيَاكُمْ قَدْحًا مِنَ الَّذِينَ أَصْبَحْتُمْ لَهُمْ مُنَاصِبِينَ وَ عَلَيْهِمْ مُتَأَلِّينَ،	اظهاری	ترغیبی	نتیجه گرفتن / هشدار دادن
۱۲	فَأَجْعَلُوا عَلَيْهِ حَدَّكُمْ وَ لَهُ جِدَّكُمْ،	ترغیبی	ترغیبی	تشویق کردن
۱۳	فَلَعَمْرُ اللَّهِ	تعهدی	تعهدی	سوگند خوردن
۱۴	لَقَدْ فَخَرَ عَلَىٰ أَصْلِكُمْ وَ وَقَعَ فِي حَسْبِكُمْ وَ دَفَعَ فِي نَسْبِكُمْ وَ أَجْلَبَ بِخَيْلِهِ عَلَيْكُمْ وَ قَصَدَ بِرَجْلِهِ سَبِيلَكُمْ	اظهاری	عاطفی / ترغیبی	تأکید کردن / خودستایی کردن / هشدار دادن
۱۵	يُقْتَنَصُونَكُمْ بِكُلِّ مَكَانٍ وَ يَضْرِبُونَ مِنْكُمْ كُلَّ بَنَانٍ، لَا تَمْتَنِعُونَ بِحِيلَةٍ وَ لَا تَدْفَعُونَ بِعِزِيمَةٍ فِي حَوْمَةِ دُلٍّ وَ حَلَقَةِ ضَيْقٍ وَ عَرَصَةِ مَوْتٍ وَ جَوْلَةِ بَلَاءٍ.	اظهاری	ترغیبی	توصیف کردن / اخطار دادن
۱۶	فَأُطْفِئُوا مَا كَمَنَ فِي قُلُوبِكُمْ مِنْ نِيرَانِ الْعَصِيَّةِ وَ أَحْقَادِ الْجَاهِلِيَّةِ،	ترغیبی	ترغیبی / عاطفی	تشویق کردن / کینه توزی

ردیف	پاره گفتار	کنش بیانی	کنش منظوری	توضیحات
۱۷	فَإِمَّا تَلَّكَ الْحَمِيَّةُ تُكَوِّنُ فِي الْمُسْلِمِ مِنْ حَخْرَاتِ الشَّيْطَانِ وَ نَخَوَاتِهِ وَ نَزَغَاتِهِ وَ نَفَثَاتِهِ	اظهاری	ترغیبی	تأکید کردن / هشدار دادن
۱۸	وَ اعْتَمِدُوا وَضَعِ التَّدَلُّلِ عَلَى رُؤُوسِكُمْ وَ إِقْلَاءِ التَّعَزُّزِ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ وَ خَلَعِ التَّكْبَرِ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ، وَ اتَّخَذُوا التَّوَّاضِعَ مَسْلَحَةً بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ عَدُوِّكُمْ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ،	ترغیبی / اظهاری	عاطفی	تشویق کردن / تشبیه کردن / متواضع بودن
۱۹	فَإِنَّ لَهُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ جُنُودًا وَ أَعْوَانًا وَ رِجَالًا وَ فُرْسَانًا	اظهاری	ترغیبی	تأکید کردن / هشدار دادن
۲۰	وَ لَا تَكُونُوا كَالْمُتَكَبِّرِ عَلَى ابْنِ أُمِّهِ مِنْ غَيْرِ مَا فَضَّلَ جَعَلَهُ اللَّهُ فِيهِ سَوَى مَا أَلْحَقَتْ الْعِظْمَةَ بِنَفْسِهِ مِنْ عَدَاوَةِ الْحَسَدِ وَ قَدَحَتِ الْحَمِيَّةُ فِي قَلْبِهِ مِنْ نَارِ الْعُضْبِ	ترغیبی / اظهاری	عاطفی	برحذر داشتن / بیان واقعیت / خودبرتربینی
۲۱	وَ نَفَخَ الشَّيْطَانُ فِي أَنْفِهِ مِنْ رِيحِ الْكِبْرِ الَّذِي أَعْقَبَهُ اللَّهُ بِهِ النَّدَامَةَ وَ الْأَزْمَةَ آتَامَ الْقَاتِلِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.	اظهاری / اعلامی	ترغیبی / عاطفی	بیان واقعیت / محکوم کردن / پشیمان شدن / هشدار دادن

جدول ۲: کنش‌های گفتاری در خطبه قاصعه «پرهیز از تکبر»

ردیف	پاره گفتار	کنش بیانی	کنش منظوری	توضیحات
۲۲	أَلَا وَ قَدْ أَمَعَنْتُمْ فِي الْبَغْيِ وَ أَفْسَدْتُمْ فِي الْأَرْضِ، مُصَارِحَةً لِلَّهِ بِالْمُنَاصِبَةِ وَ مِبَارَزَةً لِلْمُؤْمِنِينَ بِالْمُحَارَبَةِ؛	ترغیبی	ترغیبی	هشدار دادن / نصیحت کردن
۲۳	قَالَ اللَّهُ اللَّهُ فِي كِبْرِ الْحَمِيَّةِ وَ فَخْرِ الْجَاهِلِيَّةِ،	تعهدی	ترغیبی / عاطفی	سوگند خوردن / اخطار دادن / فخرفروشی کردن

ردیف	پاره گفتار	کنش بیانی	کنش منظوری	توضیحات
۲۴	فَإِنَّهُ مَلَاحِجُ الشَّنَانِ وَ مَنَافِخُ الشَّيْطَانِ الَّتِي خَدَعَ بِهَا الْأُمَّمَ الْمَاضِيَةَ وَ الْقُرُونَ الْخَالِيَةَ،	اظهاری	اظهاری	تأکید کردن / نتیجه گرفتن
۲۵	حَتَّىٰ أَعْنَقُوا فِي حَنَادِسِ جَهَائْتِهِ وَ مَهَاوِي ضَلَّالَتِهِ، ذُلًّا عَنِ سِيَاقِهِ سُلْسًا فِي قِيَادِهِ،	اظهاری	ترغیبی	نتیجه گرفتن / هشدار دادن
۲۶	أَمْرًا تَشَابَهَتْ الْقُلُوبُ فِيهِ وَ تَتَابَعَتْ الْقُرُونَ عَلَيْهِ وَ كَبْرًا تَضَاقَيْتِ الصُّدُورُ بِهِ.	اظهاری	ترغیبی	بیان عقیده / توصیف کردن / هشدار دادن

جدول ۳: کنش‌های گفتاری در خطبه قاصعه « پرهیز از سران متکبر و خودپسند »

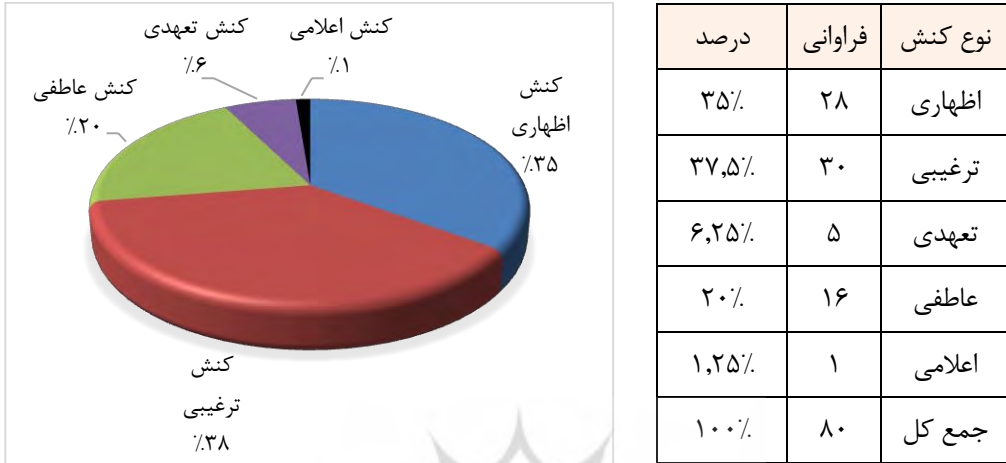
ردیف	پاره گفتار	کنش بیانی	کنش منظوری	توضیحات
۲۷	أَلَا فَالْحَذَرَ الْحَذَرَ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ وَ كِبْرَاتِكُمْ	ترغیبی	ترغیبی	اخطار دادن
۲۸	الَّذِينَ تَكَبَّرُوا عَنْ حَسْبِهِمْ وَ تَرَفَّعُوا فَوْقَ نَسَبِهِمْ وَ أَلْفُوا الْهَجِيئَةَ عَلَى رَبِّهِمْ	اظهاری	عاطفی	بیان واقعیت / خودبرتربینی / افترا زدن
۲۹	وَ جَا حَدُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا صَنَعَ بِهِمْ، مُكَابَرَةً لِقَضَائِهِ وَ مَخَالَبَةً لِآلَانِهِ،	اظهاری	عاطفی	انکار کردن / تاسف خوردن
۳۰	فَإِنَّهُمْ قَوَاعِدُ أُسَاسِ الْعَصَبِيَّةِ وَ دَعَائِمُ أَرْكَانِ الْفِتْنَةِ وَ سَيُوفُ اعْتِرَاءِ الْجَاهِلِيَّةِ؛	اظهاری	ترغیبی	تأکید کردن / برحذر داشتن
۳۱	فَانْتَفُوا اللَّهَ وَ لَا تَكُونُوا لِنِعْمَةِ عَلَيْهِمْ أَضْدَادًا وَ لَا لِقُضْلِهِ عِنْدَكُمْ حَسَادًا،	اظهاری / ترغیبی	عاطفی	نتیجه گرفتن / نهی کردن / حسادت ورزیدن
۳۲	وَ لَا تُطِيعُوا الْأَدْعِيَاءَ	ترغیبی	ترغیبی	نهی کردن

ردیف	پاره گفتار	کنش بیانی	کنش منظوری	توضیحات
۳۳	الَّذِينَ شَرِبْتُمْ بِصَفْوِكُمْ كَدْرَهُمْ وَ خَلَطْتُمْ بِصَحْتِكُمْ مَرَضَهُمْ وَ ادْخَلْتُمْ فِي حَقِّكُمْ بَاطِلَهُمْ، وَ هُمْ اَسَاسُ الْفُسُوقِ، وَ اَحْلَاسُ الْعُقُوقِ	اظهاری	ترغیبی	توصیف کردن / امر کردن
۳۴	اتَّخَذَهُمْ اِبْلِيسُ مَطَايَا ضَلَالٍ وَ جَنَدًا بِهِمْ يَصُولُ عَلَى النَّاسِ وَ تَرَاجِمَةً يَنْطِقُ عَلَى اَلْسِنَتِهِمْ اسْتِزَاقًا لِعُقُوبِكُمْ وَ دُخُولًا فِي عَيْونِكُمْ وَ نَفْثًا فِي اَسْمَاعِكُمْ،	اظهاری	ترغیبی	توصیف کردن / هشدار دادن
۳۵	فَجَعَلَكُمْ مَرَمِي نَبَلِهِ وَ مَوْطِنَ قَدَمِهِ وَ مَآخِذَ يَدَيْهِ.	اظهاری	ترغیبی	بیان عقیده / هشدار دادن

جدول ۴: کنش‌های گفتاری در خطبه قاصعه «پرهیز از ستمکاری»

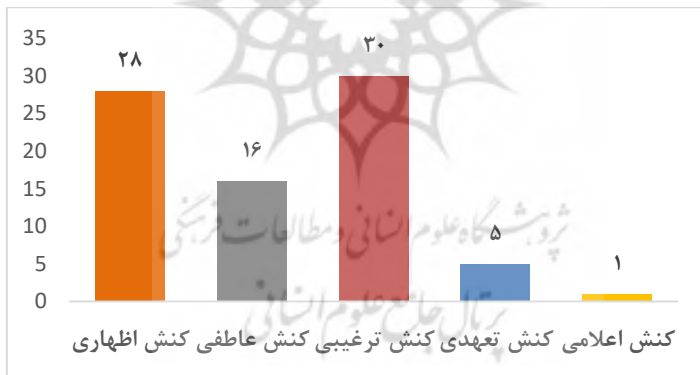
ردیف	پاره گفتار	کنش بیانی	کنش منظوری	توضیحات
۳۶	قَالَ اللهُ فِي عَاجِلِ الْبَغْيِ وَ اَجَلِ وَخَامَةِ الظُّلْمِ وَ سَوْءِ عَاقِبَةِ الْكِبْرِ،	تعهدی	ترغیبی، عاطفی	سوگند خوردن / اخطار دادن / تکبر داشتن
۳۷	فَاِنَّهَا مَصِيْدَةٌ اِبْلِيسَ الْعَظْمَى وَ مَكِيْدَتُهُ الْكِبْرَى الَّتِي تُسَاورُ قُلُوبَ الرِّجَالِ مُسَاورَةَ السَّمُومِ الْقَاتِلَةَ،	اظهاری	ترغیبی	ذکر دلیل / هشدار دادن
۳۸	فَمَا تُكْدِي اَبْدًا وَ لَا تُشْوِي اَحَدًا لَا عَالَمًا لِعِلْمِهِ وَ لَا مَقْلًا فِي طَمْرِهِ،	اظهاری	ترغیبی	بیان واقعیت / هشدار دادن

جدول ۵: میزان فراوانی و درصد کنش‌های گفتاری پاره گفتارهای انتخابی در خطبه



نمودار ۱: درصد بسامد وقوع انواع کنش‌های بیانی در خطبه

قاصعه



نمودار ۲: فراوانی کنش بیانی در خطبه قاصعه

۵. نتیجه گیری

در این جستار مشخص گردید که نظریه کنش گفتاری یکی از مهم‌ترین نظریه‌های علم کاربردشناسی است که می‌تواند ابزار مناسبی در تحلیل گفتمان دینی باشد، لذا بر اساس مباحثی که در این پژوهش مطرح شد در قالب این چارچوب نظری می‌توانیم به پرسش‌های تحقیق که پیش‌تر

مطرح شد پاسخ دهیم.

کارگفت‌های به‌کاررفته در متن از چه نوعی هستند؟ تعداد کارگفت‌ها باتوجه‌به انواع آن به چه میزان است؟ دلایل فراوانی بالا و پایین کارگفت‌ها نسبت به همدیگر چیست؟ آیا کارگفت‌ها با بافت موقعیتی خطبه و محتوای آن تناسب دارند؟

چنان‌که در جدول‌های شماره ۱ و نیز نمودارهای ۱ مشاهده می‌گردد کنش‌های گفتاری در پاره گفتارهای منتخب به ترتیب فراوانی از بیشترین به کمترین عبارتند از: کنش‌های ترغیبی (۳۷/۵٪)، کنش‌های اظهاری (۳۵٪)، کنش‌های عاطفی (۲۰٪)، کنش‌های تعهدی (۶/۲۵٪)، کنش‌های اعلامی (۱/۲۵٪).

پس از تحلیل خطبه و بررسی آماری نمودارها و جداول فوق و با توجه به بافت و محتوای تحذیری خطبه، دریافتیم که کنش‌های ترغیبی با فراوانی ۳۰ مورد و ۳۷/۵٪ و با بیان غیرمستقیم بیشترین آمار را به خود اختصاص داده‌اند و موضوع خطبه با تعداد و نوع کنش‌های بکار رفته در آن تناسب کامل دارد. به عبارت دیگر، موضوع خطبه که در مورد شیطان به‌عنوان بزرگ‌ترین خطر پیش‌روی سعادت انسان است، قاعدتاً می‌بایست با بیان هشدارهای متعدد همراه باشد که در خطبه مورد بحث این موضوع به‌روشنی قابل دریافت است. کنش‌های اظهاری با فراوانی ۲۸ مورد و ۳۵٪ در ردیف دوم قرار دارند. در بسیاری از موارد ابتدا کنش اظهاری ذکر شده که برای آگاهی بخشیدن به مردم و بیدار بودن آنها از خواب غفلت است و سپس در بیان نتیجه اظهارات قبلی از کنش ترغیبی برای هشدار استفاده شده است.

گفتنی است امام (علیه‌السلام) به شکلی هدفمند، پس از بیان واقعیات و مسائل دقیقی از خصوصیات شیطان و کاربرد توصیفات و تشبیهات هوشمندانه، به ایراد هشدارهایی در خصوص خطر شیطان پرداخته که ضمن افزایش بلاغت خطبه، به اثرپذیری جملات نیز افزوده است و از آنجایی که موضوع کاملاً تحذیری است، بیشتر از کنش‌هایی که مخاطب اصلی آن عقل انسان است استفاده

نموده تا آنها را به تفکر وادارد و به صورت قابل توجهی کنش‌های عاطفی (۱۶ مورد) که احساسات انسانی را درگیر این موضوع می‌کند نیز استفاده نموده است.

کنش‌های عاطفی در بسیاری از موارد برای برانگیختن احساسات درونی افراد و با مفهوم هشدار و تشویقی به کار می‌روند. امام علیه السلام در خلال بیانات خود فقط در موارد ضروری به ترتیب از کنش‌های تعهدی (۵ مورد) سپس کنش‌های ترغیبی جهت امر یا نهی مخاطبان در دوری از شیطان و عدم انفعال در مقابل آن، جهت به ثمر نشاندن عملی هشدارهای خطبه در دل شنوندگان به درستی و در جای مناسب استفاده نموده است و همچنین ایشان از استفاده کنش‌های اعلامی (۱ مورد) که ربطی به موضوع خطبه ندارند اجتناب نموده است.

تعامل با متن از خصوصیات زبان‌شناسی کاربردی است که در آن محتوای کلام جدای از گوینده تحلیل می‌گردد. بافت زبان در شرایط ایجاد گفتار مؤثر است. از آنجا که گوینده در ورای کلام دیده می‌شود، سخنان گوینده ماهیت ساختاری، واژگانی، معنایی و نحوی داشته و تحلیل معنا با توجه به کلام و موقعیت بافتی، متنی و واژگانی شکل می‌گیرد؛ بنابراین شخصیت گوینده یک عامل فرازبانی است؛ ولی بسیار تعیین‌کننده در تشخیص نوع کارگفت نیست. در زبان‌شناسی، ساختار و معنا درهم تنیده است و تشخیص منظور و بیان گوینده با توجه به نشانگرهای کارکردی در واژگان و جمله نمود می‌یابد.

همچنین، تحلیل مذکور یک دستاورد کاربردی برای پژوهندگان متون دینی به همراه دارد، بدین ترتیب که با مقایسه کنش‌های گفتاری خطبه‌های نهج‌البلاغه با یکدیگر یا با دیگر متون دینی، می‌توان به مفاهیم جدیدی از معارف دینی دست پیدا کرد و می‌تواند الهام بخش پژوهشگران علاقه مند به مطالعات میان رشته‌ای در این راستا باشد.

منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه

۱. احمدی نرگسه، رحیم؛ گرجیان، بهمن؛ محمود نقی‌زاده، محمود؛ حسینی، سیدحسام‌الدین. «کارگفت‌های ترغیبی در قرآن کریم»؛ فصلنامه پژوهش‌های ادبی قرآنی، شماره دوم. ۱۳۹۷. ۲۱-۳۴.
۲. ایشانی، طاهره؛ نعمتی قزوینی، معصومه. «تحلیل خطبه حضرت زینب سلام الله علیه در کوفه بر اساس نظریه کنش گفتاری سرل»؛ سفینه، سال دوازدهم، شماره ۴۵ (ویژه حدیث). ۱۳۹۳. ۲۵-۵۱.
۳. پهلوان نژاد، محمدرضا؛ رجب زاده، مهدی. «تحلیل متن شناسی زیارتنامه حضرت امام رضا (علیه السلام) بر پایه نظریه کنش گفتاری» فلسفه و کلام، شماره ۸۵، پاییز و زمستان. ۱۳۸۹. ۳۷-۵۴.
۴. دشتی، محمد. ترجمه نهج البلاغه؛ چاپ دوم، قم: انتشارات آثار فرهنگ برتر. ۱۳۹۶.
۵. زودرنج، صدیقه؛ اربطی مقدم، شیرین. «واکاوی خطبه شقشقیه با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی» فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، دوره ۱۰، شماره ۳۷. ۱۳۹۱-۱۱۵. ۱۴۰۱.
۶. صفوی، کوروش. درآمدی بر معناشناسی؛ چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی. ۱۳۸۷.
۷. طالب پور، دانا. کاربست نظریه هیلیدی و حسن در انسجام متنی نهج البلاغه (مطالعه مورد پژوهانه خطبه ۸۸۱). پژوهش‌های قرآن و حدیث. سال ۵۵، شماره ۲، صص ۴۱۹-۴۴۲. ۱۴۰۱.
۸. میر قادری، فضل‌الله؛ مریم اشراق پور. «بافت و کنش‌های گفتاری امام حسین (علیه السلام) در واپسین لحظات عمر»؛ فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، شماره ۱. ۱۳۷۰-۱۶۱. ۱۳۹۵.

۹. نجفی ایوکی، علی؛ رسول نیا، امیر حسین؛ کاوه نوش آبادی، علیرضا. «تحلیل متن شناسی خطبه شقشقیه بر اساس نظریه کنش گفتاری سرل»؛ فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، شماره ۱۹. ۱-۱۷. ۱۳۹۶.
۱۰. ویسی، الخاص؛ غلامحسن اورکی. «کارکردهای معنایی و توان منظوری جملات استقهامی قرآن کریم با توجه به نظریه کنش گفتاری»؛ فصلنامه ذهن، شماره ۶۲. ۵-۳۰. ۱۳۹۴.
۱۱. یول، جورج؛ کاربردشناسی زبان. ترجمه محمد عموزاده مهدیریجی و منوچهر توانگر؛ چاپ پنجم، تهران: سمت. ۱۹۹۶.
12. Astin, J. L. (1962). How to do things with words. Oxford: Oxford University Press.
13. Searle, J. R. (1969). Speech acts: An essay in the philosophy of language. Cambridge: Cambridge University Press.